

تسلیم یا مبارزه؟ در برخورد با حملات شیطان مناسب‌ترین اقدام کدام است؟

تسلیم یا مبارزه؛ شیطان چگونه ما را گرفتار خود می‌کند؟

تسلیم یا مبارزه؛ شما کدام یک را انتخاب می‌کنید؟

معمولاً در زندگی هر کدام از ما شرایطی پیش می‌آید که مجبور به انتخاب هستیم. باید بین تسلیم یا مبارزه یک راه را انتخاب کنیم. اما وقتی پای دشمنی واقعی به میان می‌آید، با شرایط متفاوتی روبه‌رو هستیم و در بسیاری موارد تسلیم با سقوط برابر است.

هر موجود زنده‌ای به فراخور وجود خود، با دشمنانی روبه‌رو می‌شود. طبیعتاً هر چه این وجود گسترده‌تر باشد، دشمنان بیشتری هم خواهد داشت. اما در این وسط خالق و سازنده ما که کاملاً به ساختار وجودمان آگاه است، از موجودی به عنوان دشمن آشکار ما یاد کرده و از ما خواسته تا این دشمنی را جدی بگیریم. این دشمن کسی جز شیطان نیست؛ موجودی که با ساختار وجودی ما تناسب ندارد و با تسلیم شدن به او نابود خواهیم شد. همان‌طور که بدن ما با تسلیم شدن به یک ویروس کشنده به فنا می‌رود، نفس ما هم با تسلیم شدن به شیطان که دشمن آشکار ماست، بر باد رفته و هرگز به هدف خلقت خود نخواهیم رسید. در حقیقت ما بین تسلیم یا مبارزه با شیطان، راهی جز مبارزه و درگیر شدن با او نداریم، اما مهم است بدانیم که؛

شرایطی که زمینه تسلیم شدن را فراهم می‌کنند، چه شرایطی هستند؟

راه‌هایی که شیطان برای نفوذ و تسلط بر ما استفاده می‌کند، کدام راه‌ها هستند؟

چگونه می‌توانیم راه تسلط شیطان بر خود را بسته و تسلیم او نشویم؟

## چه زمانی تسلیم می‌شویم؟

اگر به تجربیاتی که در طول زندگی به دست می‌آوریم، توجه کنیم، حتماً برایمان نکات مفیدی به همراه خواهند داشت؛ مثلاً تا به حال به این فکر کرده‌اید که ما چه زمانی از دشمن شکست می‌خوریم؟ پاسخ ساده است، زمانی که دشمن را بسیار بزرگتر از حد و اندازه خود بدانیم و توانایی‌ها و قدرت‌های خودمان را دست‌کم گرفته باشیم، یا اینکه پیروزی را بسیار آسان تصور کرده و دشمن را دست‌کم بگیریم. در هر دو انگیزه‌ای برای مبارزه نخواهیم داشت؛ چون خود را به نتیجه مبارزه واقف می‌دانیم.

تصور ما در مورد شیطان هم خارج از این قاعده نیست. هیچ شکی نیست که شیطان دشمن قسم‌خورده ماست و لحظه‌ای غفلت از او منجر به سقوطمان می‌شود، اما نباید فراموش کنیم که این دشمن به خودی خود هیچ سلطه‌ای بر ما ندارد. در حقیقت این ما هستیم که با کوتاهی‌ها و غفلت‌ها یا غرور خود، راه را برای او باز می‌کنیم. وقتی خدا از ما می‌خواهد که شیطان را دشمن بگیریم، یعنی شیطان با همه لشکر و تجهیزاتش، موجودی شکست‌ناپذیر نیست؛ بلکه باید شیوه مبارزه با او را بلد باشیم و بین تسلیم یا مبارزه هرگز گزینه اول را انتخاب نکنیم.

اگر ما خودمان را نشاناسیم، دچار رخوت و کسالت می‌شویم و برای بیرون رفتن از این رخوت ناخودآگاه به سمت هیجانات کاذب می‌رویم که همان خواسته‌های شیطانند. اگر با قدر و قیمت خود آشنا بوده و از وجود بی‌نهایت خود آگاه باشیم، می‌دانیم که شیطان به بُعد الهی و انسانی ما دسترسی ندارد. در حقیقت ابعاد پایینی وجود ما هستند که دست‌آویزی برای نفوذ شیطانند و هنگامی که این ابعاد در کنترل و تحت حاکمیت فوق‌عقل یا بعد انسانی وجودمان باشند، راه نفوذ و سلطه را بر شیطان خواهیم بست و در مقابل او ضعیف ظاهر نخواهیم شد. نداشتن کنترل بر ابعاد پایینی وجودمانند نشان دادن نقطه ضعف به شیطان است؛ دستگیره‌هایی که شیطان از آن‌ها استفاده کرده و در نهایت ما را زمین می‌زند.

بچه‌ای را تصور کنید که به راحتی با چند عدد شکلات یا اسباب‌بازی گول می‌خورد؛ کشش‌ها و جاذبه‌های جمادی، گیاهی، حیوانی و حتی عقلی هم ابزاری هستند، که شیطان برای تسلیم شدن ما به کار می‌برد. ابزاری که اگر به صورت درست و کنترل شده استفاده نشوند، زمینه سقوط ما را فراهم می‌کنند.

### راه‌های نفوذ شیطان

#### • شک و شبهه

شیطان به جز ابزاری که ما برایش فراهم می‌آوریم، در صدد موقعیت‌هایی است که بیشترین تزلزل را داریم. شرایطی که از حالت ثبات درآمده‌ایم و آمادگی لغزیدن در ما دیده می‌شود؛ در واقع شیطان به محکمت و چیزهایی که باور داریم، کاری ندارد و هدفش شک‌ها و شبهه‌های ماست. تردیدهایی که ما را سست و آسیب‌پذیر می‌کنند؛ درست مثل درختی که از درون پوسیده و با کوچکترین تلنگری فرو می‌ریزد. تنها هدف شیطان این است که ما در صراط مستقیم نباشیم.

بنابراین از هر آدرس، پیام، فکر، انگیزه یا احساس غلطی استفاده می‌کند، تا ما را از حال تعادل مان خارج کرده و به گیجی بکشاند. مسلماً در شرایط گیجی بین تسلیم یا مبارزه، مبارزه را انتخاب نمی‌کنیم و درست در لحظه‌ای که کنترل‌مان بر شرایط را از دست داده‌ایم، با کوچکترین تلنگری منجر به سقوطمان می‌شود؛ در واقع در این حالت شیطان با ما کاری می‌کند که حتی فرصتی برای فکر کردن به تسلیم یا مبارزه نداشته و به راحتی تسلیم خواسته‌هایش شویم.

#### • ناامیدی

البته موفقیت ما به این معنی نیست که هیچ شکستی از شیطان نخورده باشیم، بلکه زمانی موفقیم که با شکستمان ناامید نشده و خود را آماده‌تر کرده باشیم، چون به محض ناامیدی کوتاهی‌های ما شروع شده

و کارهای خوبمان به دلیل بی‌انگیزگی یکی یکی ترک می‌شوند. و اینجاست که راه برای انحراف ما باز شده و شیطان روزنه‌ای برای ورود و به اسارت گرفتن ما پیدا می‌کند. احتمالاً تا به حال با کسی که ناامید شده، برخورد داشته‌اید. مهمترین ویژگی یک فرد ناامید بی‌انگیزگی برای حرکت و رسیدن به مقصد است. فردی که نفس ضعیفی دارد، توانی برای مقابله نداشته و زود تسلیم می‌شود؛ در حقیقت شیطان می‌خواهد ما را به همین نقطه برساند که ناامید شده و بین تسلیم یا مبارزه، اراده‌ای برای مبارزه نداشته باشیم، چون ناامیدی فقط ما را ضعیف کرده و زمینه ظلم، جنایت و مفاسد بیشتری را فراهم می‌کند.

### چگونه خودمان را نجات دهیم؟

ما هر چقدر هم که قوی باشیم، تا زمانی که از دشمن‌مان اطلاعات کافی نداشته باشیم، به راحتی شکست می‌خوریم؛ چون نمی‌دانیم چگونه باید خود را برای مبارزه با او آماده کنیم و منتظر چه عملی باشیم. فرض کنید قوی‌ترین و مجهزترین ارتش دنیا را در اختیار داریم، اما نمی‌دانیم توانایی‌های دشمن‌مان چقدر است؟ از زمین به ما حمله می‌کند یا آسمان؟ با چه تجهیزاتی خود را برای حمله به ما آماده کرده و توانایی نیروهایی که دارد، در چه حد است؟ در این صورت باید مدام خود را از هر جهت در آمادگی صد در صد نگاه داریم، که امری تقریباً غیرممکن است و در آخر هم ممکن است از جایی که انتظار آن را نداشته‌ایم، غافل‌گیر شویم.

در مقابله با شیطان هم به همین ترتیب است؛ ما اگر با نوع حملات و شیوه حمله شیطان آشنا باشیم، هرگز فریب نیرنگ‌ها و وسوسه‌هایش را نمی‌خوریم. باید بدانیم که شیطان هیچ سلطه‌ای بر ما نداشته و توانایی او فقط در حد پیشنهاد و وسوسه است. این ما هستیم که وسوسه را قبول می‌کنیم و خود را به فرمانش درمی‌آوریم، پس باید به فکر تشخیص حمله‌ها و نوع وسوسه‌های او باشیم، تا راه نفوذ و سلطه را

بر او ببندیم. در درس‌های آینده به‌طور مفصل دربارهٔ تشخیص حملات شیطان و نحوهٔ حملات او صحبت خواهیم کرد. در اینجا تنها به این اکتفا می‌کنیم که حملات شیطان از چهار جهت بوده و ممکن است ما را از عقب، جلو، سمت راست و یا چپ درگیر کند.

البته راهکارهای دیگری هم وجود دارند، که می‌توانند ما را در مقابل وسوسه‌ها ایمن کرده و جلوی آسیب ما را بگیرند؛ به عنوان مثال رابطهٔ مستقیمی بین کم شدن شکر و بیشتر شدن میزان آسیب‌پذیری ما در مقابل شیطان وجود دارد. قاعدتاً فردی که همواره نعمت‌های خدا را دیده و شکرگزار لطف او و زیبایی‌های دنیا و آخرت است، با کسی که نه کمالات و دارایی‌های خود را می‌بیند و نه توجه و حمایت‌های خدا را در نظر می‌گیرد، متفاوت است. چنین فردی به راحتی دچار ترس، اضطراب، غصه، افسردگی و بی‌انگیزگی می‌شود که همه از نشانه‌های تسلیم و کوتاه آمدن در مقابل شیطانند. ما نباید فراموش کنیم که جدی بودن خطر این دشمن به هیچ وجه به معنی ناتوانی ما در مقابله با او نیست و ما هرگز بین تسلیم یا مبارزه مجاز به انتخاب تسلیم نیستیم.

در این درس گفتیم که هر یک از ما با شرایطی مواجه می‌شویم که ناگزیریم بین تسلیم یا مبارزه یک راه را انتخاب کنیم، اما گاهی که با یک دشمن جدی مانند شیطان روبه‌رویم، تسلیم شدن به معنی به فنا رفتن ما خواهد بود. به این اشاره کردیم که ما معمولاً زمانی بین تسلیم یا مبارزه گزینهٔ تسلیم را انتخاب می‌کنیم که یا دشمن مان را بیش از اندازه بزرگ تصور کرده باشیم و یا توانایی‌های خودمان را دست کم گرفته باشیم. اما شیطان تنها به این موارد اکتفا نکرده و از هر شرایطی برای ایجاد تردید، ناامیدی و گیج کردن ما استفاده می‌کند، تا ما را در موقعیتی قرار دهد که حتی فرصتی برای انتخاب بین تسلیم یا مبارزه نداشته باشیم و با کوچکترین تلنگری از صراط مستقیم سقوط کنیم؛ در حقیقت ما هرچه در مورد نحوهٔ حملات شیطان اطلاعات بیشتری داشته باشیم، در تشخیص این حملات موفق‌تر عمل می‌کنیم. آیا شما هرگز خود را در شرایط تسلیم یا مبارزه دیده‌اید؟ در چنین موقعیتی از چه راه‌هایی برای نجات از تسلیم شدن در برابر شیطان استفاده می‌کنید؟